

عقل کم رویی تودکان

خداوند متعال وقتی انسان را آفرید از نظر جسمی تجهیزاتی همانند چشم و گوش و زبان در او قرارداد نادریرتو این تجهیزات طبیعی راه را از چاه تشخیص داده، از انحراف و سقوط محفوظ بماند. بموازات این حواس ظاهری روحیات بسیار ارزنده‌ای همانند عفت و حیا و غیره به او ارزانی داشت تا با برخورداری از این منابع درونی در برابر هوی های نفسانی ایستادگی نماید.

انسان ها همانطور که با چشم ظاهر قادر بدیدن هستند با چراغ عقل و برخورداری از روحیاتی همانند حیا و عفت از پلیدی ها و اعمال زشت دوری می‌گزینند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: **الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ حَيَاءٌ** و شرم بخشی از ایمان است و ایمان جایگاهش بهشت برین است.

رسول خدا فرمود: **حَيَاءٌ وَ شَرْمٌ بَرْدُ كُونَةٍ** است: **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْكَيْفِيَّةُ حَيَاءٌ أَنْ كَيْفِيَّةُ عَقْلٍ وَ كَيْفِيَّةُ حَمِيٍّ فَكَيْفِيَّةُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ كَيْفِيَّةُ الْحَمِيِّ هُوَ الْجَهْلُ** یعنی حیا بردونوع است اول حیا و شرم راستین و معقول، چنانچه انسان هسبراساس فطرت باید از اعمال زشت و ناروا ابراز تنفر کرده از انجام آن خودداری بورزند، چنین حیائی را حیا عقل گویند.

نوع دیگری از حیا وجود دارد که می‌توان آن را جزء روحیات منفی انسان بحساب آورد مثل اینکه کسی چیزی را نداند و از سؤال کردن از دیگران دچار شرم گردد و بعبارت دیگری چنین شخصی دچار کمروئی است و این روحیه علاوه براینکه مطلوب و سودمند نیست بلکه زبان آور نیز می‌باشد و آدمی را از استكمال و پیشرفت باز می‌دارد. امام جعفر صادق علیه



السلام فرمودند :

مَنْ رَقَّ وَجْهَهُ رَقَّ عِلْمُهُ هر که از سؤال کردن
دچار شرم و خجلت گردد از کسب علوم محروم
مانده نمی تواند به ذخائر علمی دست یابد .

علل کمروئی

بامطالعات و بررسی های دقیق باین واقعیت
پی می بریم که عارضه کمروئی معلول شرایط
محیطی است و از خارج به انسان تحمیل می گردد
چنانچه دروغگوئی نیز جزء فطرت انسان نبوده
بلکه کودک آن را از محیط خارجی اکتساب
می نماید . در این مقاله سعی شده بطور اختصار
به علل کمروئی اشاره شود تا پدران و مادران
ومریبان باینطرف کردن آن علل وعوامل کودکان
رابا روحیات ارزنده فطری پرورده ساخته آنها
را از هرگونه روحیه منفی و زبان بار برکنسار
دارند .

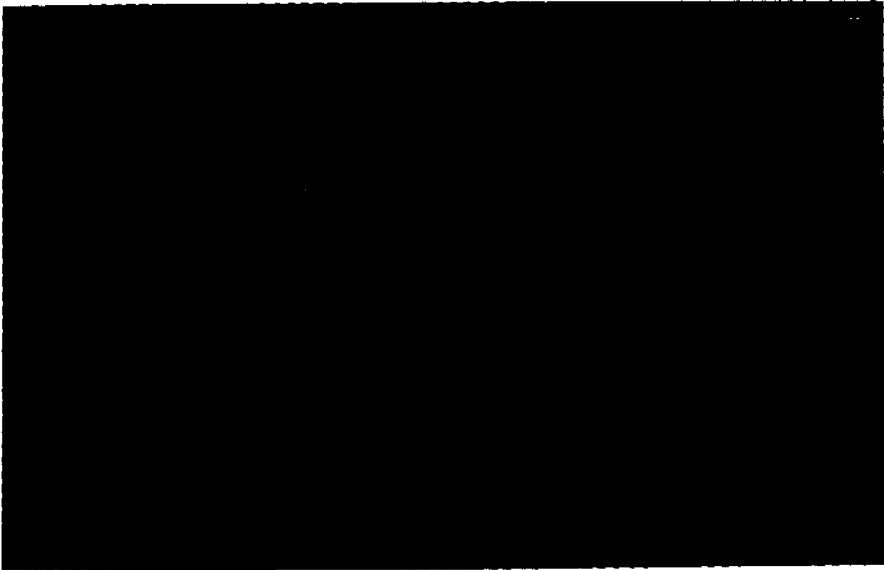
۱ - کودکانی که در محیط خانه از امنیت
خاطر برخوردار نمی باشند و دائما " بین پدر
ومادرشان جنگ وجدال وجود دارد ، تعادل
روحی خود را از دست داده به انزوا و کمروئی
روی خواهند آورد و از اعتماد و صلابت کودکان
سالم محروم خواهند ماند .

۲ - کودکانی که باینراضعف هوشی توسط
پدران ومادران تحقیر و کوبیده می گردند
بتدریج دچار دلسردی و ناامیدی می شوند .
اینگونه کودکان براساس تویبخی های فراوان
دچار افسردگی شده نمی توانند از نیروهای
درونی و روحی خود بخوبی استفاده نمایند .
چنین کودکانی دربرخورد با واقعیت های
زندگی درخود احساس خجلت و شرمندگی
می نمایند و نمی توانند همانند دیگران به



بویائی ونحرک بپردازند . در محیط مدرسه
برخی از همین گونه کودکان آنچنان گرفتار
کمروئی هستند که نمی توانند دربرابرساگردان
کلاس بخواندن انشاء خود بپردازند .

۳ - یکی از عواملی که شدیداً " روحیه
کمروئی را درانسان بوجود می آورد تویبخی و
ملامت کردن درحضور دیگران است . علی
علیه السلام درفرای می فرماید : نُضْحَكُ فِي
الْمَلَأِ تَقْرِيعُ رَاهِنَمَائِي وارشاد فردی در
برابر دیگران بصورت ملامت و تویبخی درآمده
شخصیت اورامتزلزل خواهد ساخت . بدیهی
است کسی که شخصیتش لطمه دیده باشدجرات



خسود معطوف داشته آنان را از شرکت در بسیاری از امور بازمی دارند. در نتیجه، چنین کودکانی پس از گذشت زمان افرادی کمرو و کم جرات بار خواهند آمد. در محیط مدرسه به مشابه اینگونه کودکان برخورد می نمایم که تنها هنرشان درس خواندن و نمره خوب گرفتن است در عوض کمترین عرضه و ابتکاری در آنان دیده نمی شود. روی این اصل پدران و مادران باید همه ابعاد وجودی کودکان خود را پرورده سازند همینطور که به پرورش ذهن و فکر آنان اقدام می کنند باید به جنبه های اجتماعی آنان نیز توجه داشته، آنها را تقویت نمایند. زندگی فردای کودکان تنها به رشد ذهنی و فکری کودکان وابسته نمی باشد بلکه به عرضه و شهامت و جرات نیز احتیاج فراوانی دارد.

چگونه می توان با کمروئی مبارزه کرد؟

کودکانی را که بر اثر عوامل ذکر شده دچار

و شهامت طبیعی را از دست می دهد و دچار کمروئی می گردد و در انجام کارها همیشه دست او لرزیده دچار شک و تردید خواهد بود و جرات کافی را نخواهد داشت.

۴ - استهزاء و مسخره کردن کودکان موجب می گردد که طرف مقابل دچار خودباختگی شود. بدیهی است شخص خودباخته قادر نخواهد بود از ذخائر وجودی خود بهره بگیرد در نتیجه راه انزوا در پیش گرفته شهامت و شجاعت زندگی کردن را از دست خواهد داد. دختری که بمدرسه می رفت چون نمره املاء فارسی او همیشه دو سه می شد و معلم و بچه ها او را مسخره می کردند ترک تحصیل کرده، بمدرسه نرفت چون توانائی مقابل با استهزاء دیگران را نداشت. بعدها یک معلم واقعی باین امر پی برده با تقویت املاء، شوق مدرسه رفتن را در او بتدریج زنده کرده، او را روانه مدرسه ساخت.

۵ - در مواردی برخی از پدران و مادران تمام هدف خود را روی درس خواندن فرزندشان

کمرئی شده‌اند می توان با توجه به نکاتی که در زیر بآنها اشاره می شود بازسازی کرد:

۱ - پدران و مادران و مربیان و معلمان باین نکته باید توجه داشته باشند که همه انسان ها دارای ارزش می باشند منتهی ارزشهای آنان همانند معادن یکسان و برابر نمی باشد، برخی در بُعد پرورش ذهنی و فکری توانائی بیشتری نسبت ب دیگران دارند ولی همان عده‌ای که از نظر رشد ذهنی کارشان ایده‌آل نمی باشد با بررسی ها معلوم می گردد که در سایر ابعاد وجودی دارای منابع سرشاری می باشند بزرگترها باید ابعاد گوناگون وجودی انسان ها را شناسائی کرده ، از همان راه آنان را مورد تأئید قرار دهند . بدیهی است هراسناسی وقتی از یک سو مورد تشویق و تأئید دیگران قرار بگیرد جرات و ابتکارش فزون شده تزلزل و کمروئی از او برطرف خواهد شد .

۲ - پدران و مادران و معلمان باید بدانند که با سرکوفت زدن ها و به رخ کشیدن ناتوانی های فرزندان هرگز نمی توان آنان را به حرکت و پویائی وادار ساخت ، بلکه بجای اینکار بکوشیم جنبه‌های مثبت آنان را بیان و عرضه کنیم و از این گذرگاه آنان را تشویق نمائیم . بدون تردید این تشویق ها درآنان اثر گذاشته، خودشان بتدریج نقائص خود را برطرف خواهند کرد .

۳ - سعی کنیم در مواردی بفرزندان و بسا شاگردان در حدود توانائی آنان مسئولیت بدهیم . مسئولیت پذیری آدمی را به تحرک و فعالیت و امیدارد، بجای کمروئی و تزلزل، روح امید و نشاط را تقویت می نماید و در نتیجه روحیه اعتماد و اتکاء بنفسی درآنان فزون تر خواهد شد .

۴ - پدران و مادران باید بکوشند همه ابعاد

۵ - پدران و مادران باید بدانند تنها عامل موفقیت کودکان در بعد رشد تحصیلی نمی باشد بلکه بهره‌گیری از تحصیلات نیز احتیاج به روحیات اجتماعی و روحیه جرات و سازگاری و مقاومت دارد . پس به موازات پرورش های ذهنی باید به تقویت روحیات اجتماعی کودکان نیز اقدام نمائیم تا انسان کامل و متعادل تحویل اجتماع داده باشیم . فراموش نکنیم بسیاری از نوابغ دنیا در برخی از جهات دارای نقص و نقصانی بوده‌اند ولی شناسائی ابعاد مختلف وجودی آنان و پرورده ساختن آن ابعاد راه نبوغ را به رویشان گشوده است . کمال الملک نقاش جیره دست در ریاضیات و هندسه و تاریخ و جغرافیا از همه عقب تر بود ولی معلم نقاشی نبوغ او را در نقاشی تشخیص داده، به پرورش آن پرداخت .

مجید رشیدپور

